

Code-switching

Maryam Safaian¹

During the past twenty years, an increasing interest toward code-switching phenomenon has been made. Code-switching in 1950 and 1960 decades, had little importance but, some of the pioneers in 1970 decade paid attention to its syntactic and sociolinguistics aspects, so that many researchers in the fields of syntax, sociolinguistic and psycholinguistic inclined to it. Code-switching, is the synchronous or alternative use of two languages. In other words, code-switching is the act of combining or changing between the elements of more than one language in a speech communication. It belongs not to the langue realm but to the parole one. This article aims to give a division of different types of code-switching and determine the quality of this process and its motivations.

KeyWords:1-Code switching, 2-Bilingualism, 3- Metasystem

1- A graduate Student , Linguistics, Esfahan University

رمزگردانی؛ چرایی و چگونگی آن

مریم صفائیان^۱

چکیده

طی بیست سال گذشته، علاقه رو به افزایشی نسبت به پدیده رمزگردانی ایجاد شده است. رمزگردانی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به طور کلی دارای اهمیت جزئی بود. اما تعدادی از پیشگامان دهه ۱۹۷۰ جنبه‌های نحوی و جامعه شناختی آن را نیز در مرکز توجه خود قرار دادند به طوری که تعداد زیادی از محققان در زمینه نحو، جامعه شناسان زبان و روانشناسان زبان به این حوزه گرایش پیدا کردند. رمزگردانی استفاده همزمان یا تعویض پذیر دو زبان است. به عبارت دیگر، رمزگردانی عمل ترکیب یا تعویض عناصر مربوط به بیش از یک زبان در ارتباط کلامی است و به قلمرو زبان (langue) تعلق ندارد بلکه به گفتار (parole) مربوط می‌شود. در این مقاله سعی بر آن است تا انواع رمزگردانی تقسیم‌بندی و چگونگی این فرایند و انگیزه های آن مشخص شود.

واژگان کلیدی: ۱- رمزگردانی، ۲- فرد دو زبانه ۳- فرا سیستم

۱- انواع رمزگردانی

مطالعات انجام شده در زمینه رمزگردانی نشان می‌دهد که به طور کلی دو نوع رمزگردانی وجود دارد:

الف- رمزگردانی موقعیتی (situational)، این نوع رمزگردانی با تغییر در موقعیت گفتگو به وجود می‌آید. تصور بر این است که تنها یکی از زبان‌ها برای یک موقعیت ویژه، مناسب است و فرد نیاز به تغییر زبان خود دارد تا آن تناسب را حفظ کند.

ب- رمزگردانی استعاره‌ای (metaphorical)، مربوط به تغییر زبان شخص در هنگامی است که موقعیت تغییری نکرده باشد. در این جا تصور بر این است که فرد، هدف کلامی ویژه‌ای را منتقل می‌کند. یعنی فرد پیش از هر چیز باید بداند برای آن موقعیت خاص، انتخاب کدام زبان مناسب است.

از منظر ساختاری نیز سه نوع رمزگردانی را می‌توان مشخص کرد: نوع اول شامل رمزگردانی‌هایی می‌شود که عناصری از یک زبان دیگر، قبل و بعد از آن زبان قرار می‌گیرند. این رمزگردانی می‌تواند عبارت اسمی یا حرف اضافه ای و یا یک کلمه واحد باشد. به این نوع رمزگردانی "درج" (insertion) می‌گوییم. ویژگی اصلی درج این است که عناصر به درون ساختار درج می‌شوند و یک زبان مبنا دارند (زبان مبنا، یعنی زبانی که دستور جمله را تعیین می‌کند). ۸۴ درصد رمزگردانی‌ها در جملات و واژه‌های انفرادی و ۱۰ درصد در عبارت‌ها رخ می‌دهند. مثال زیر که رمز گردانی بین زبان مالزیایی و انگلیسی است، متعلق به این گروه است: Anna free hari ini. (Anna is free today.)

نوع دوم شامل تغییر کل جمله یا عبارت‌هاست که از آن با عنوان تغییر (alternation) نام می‌بریم. تغییر شامل تغییر به سمت زبان مبنای دیگر است. ۶ درصد رمزگردانی‌ها متعلق به این دسته هستند. مانند جمله زیر که رمزگردانی بین زبان آلمانی و انگلیسی است:

Papa, wenn du das Licht ausmachst, then I'll be so lonely. (Daddy, if you put out the light, I'll be so lonely.)

نوع سوم شامل تغییر چند کلمه است که سازه منسجمی را تشکیل نمی‌دهند. به این فرایند، واژگان سازی متناسب (congruent lexicalization) می‌گوییم.

فرد می‌تواند از یک یا بیش از یک الگوی رمزگردانی به عنوان ابزار ایجاد معنا، یا ابزار سازماندهی و طرح گفتگو استفاده کند. نوع اول در میان گروه‌های جدید مهاجر، و نوع دوم در جوامع ثابت رواج دارد. نوع سوم، الگوی مربوط به گروه‌های مهاجر نسل سوم و افرادی است که دو زبان آنها رابطه نزدیکی با هم دارند.

۲- رمزگردانی در کودکان

از پژوهش‌های به عمل آمده از کودکان ۳ تا ۵ ساله انواع رمزگردانی به دسته‌های زیر تقسیم شده است:

الف- رمزگردانی‌های موقعیتی، این رمز گردانی از طریق یک موضوع یا زمان و مکان مرتبط با یک زبان دیگر ایجاد می‌شود و به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود: ۱- گفت و شنود با هم‌تابان خود، ۲- گفت و شنود با بزرگسالان، ۳- گفت و شنود کودک با والدین.

ب- رمزگردانی‌های استعاره‌ای، ابزار تاکیدی هستند که برای ایجاد تاثیر شگرف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پ- رمزگردانی‌هایی که منعکس‌کننده نیازهای واژگانی است و به دو گروه تقسیم می‌شود: آن‌هایی که نشان‌دهنده افت موقت حافظه در زبان غیر بومی است؛ و آن‌ها که نیاز واژگانی مشخصی را آشکار می‌کنند. (به خاطر آن که کودک لغت را نمی‌داند؛ و یا این که معادلی برای آن لغت در زبان غیر بومی وجود ندارد).

ت- رمزگردانی‌های تصادفی (random) که تقسیم بندی مشخص و آسانی برای آن وجود ندارد.

۳- رمزگردانی در بزرگسالان

چارچوب هدایت‌کننده برای بررسی رمزگردانی، بعد ارتباطی (conversational) یا تعاملی (interactional) است؛ یعنی همان دینامیک‌های ارتباطی که افراد شرکت‌کننده در گفتگو و متغیرهای موقعیتی را به هم گره می‌زند. این متغیرها ترسیم‌کننده تبادل کلامی هستند. تبادل کلامی که دارای رمزگردانی است، منجر به رفتار فرا ارتباطی (metacommunicative) در میان افراد می‌شود.

۴- عوامل موثر بر رمزگردانی

فهرستی از عواملی را که باعث رفتار رمزگردانی می‌شوند به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

۴-۱- عوامل درونی (شخصی / روانی)

۱- بین‌زبانی: یک حالت موقت در مهارت زبانی.

- ۲- مشکل در تولید: تلفظ غیر معمولی یا پیچیده، نامشخص بودن قوانین نحوی یا صرفی، فقدان توانایی سبکی کافی و غیره.
- ۳- فقدان معادل‌ها: به نظر می‌رسد که زبان دوم، دارای معادل‌های واژگانی واقعی نیست (با توجه به فکر و احساسی که فرد می‌خواهد بیان کند).
- ۴- نیاز به کارآیی در توصیف خود: به ویژه در مورد تجارب عاطفی که ممکن است فرد لغت یا عبارت مناسب را در مجموعه زبان دوم نیابد.
- ۵- در رمزگشایی اطلاعات فرا گرفته شده در یک فرهنگ متفاوت یا از رسانه‌های گروهی یا کتاب‌های خارجی، ممکن است فرد استفاده از لغات یا عبارات یا اصطلاحات زبان دوم را مناسب‌تر بداند زیرا با ایده جدید تطابق بیشتری دارد.
- ۶- تشدید زیبایی‌شناختی: آن چه آن را گیرایی و کشش لغت می‌نامیم، ممکن است بنا بر نگرش‌های کاملا ذهنی، در انتخاب یک واژه یا عبارت خارجی در نوشته‌های ادبی و نیز گفتگوهای روزمره، تاثیرگذار باشد.
- ۷- عادت‌های کلامی کلیشه شده: موانع هم‌نشینی در زبان دوم، ممکن است در موقعیت‌های ویژه‌ای مفید واقع شود.

۲-۴- عوامل بیرونی (اجتماعی- فرهنگی)

- ۱- تمایل به انطباق اشکال ارتباطی کلام با مخاطب: اگر بومی باشد، زبان اول ترجیح داده می‌شود و اگر بیگانه باشد، زبان دوم مرجح است.
- ۲- خودنمایی کردن برای جلب توجه اجتماع: در بسیاری از گروه‌های اجتماعی، کاربرد تا حدی مغرورانه و افاده آمیز از واژه‌های بیگانه روز به روز رایج‌تر می‌شود.
- ۳- تغییر بافت: در حضور گروه اکثریت اهل زبان دوم، به ویژه در گرد همایی‌ها یا در موقعیت‌هایی که زبان دوم یا اول برخوردار از امتیاز ویژه‌ای است؛ در واقع هرگاه برتری اجتماعی استفاده از یک زبان را می‌طلبد، فرد از نظر اجتماعی خود را ناگزیر به استفاده دائمی یا موقتی از زبانی دیگر احساس می‌کند.
- ۴- نیاز به وفادار ماندن به صحت و اصالت کلام: هر زمان که متن خارجی نقل قول می‌شود، یا یک متن رسمی از بافت رسمی گرفته می‌شود (مثلا یک فرمول علمی)، اهل زبان به این نتیجه می‌رسد که نقل قول به زبان اصلی به دلایل متعدد، بهتر است.
- ۵- برای تاکید: به ویژه زمانی که فرد دو زبانه بر این باور است که یک زبان بخصوص، در شرایطی ویژه عقاید را به شکلی جدی‌تر یا قاطعانه‌تر بیان می‌کند.

۶- نیازهای ترمینولوژیکی: اجبار به استفاده از یک زبان برای اهداف ویژه مثلا علمی، فن‌آوری، تجاری و غیره که قسمتی از زبان اول یا دوم باشد. این عادت در میان مهندسان اطلاع‌رسانی یا برنامه‌نویسان کامپیوتر، خلبانان یا فن‌آوران نظامی رایج است.

۷- بافت دو سطحی: ممکن است شرایط به گونه‌ای باشد که ارتباط در دو سطح به طور همزمان رخ دهد. عمدتاً اظهارات رسمی به فراگونه یا زبان دوم یا زبان بیگانه بیان می‌شود، در حالی که توضیحات ساده‌تر یا خودمانی‌تر و دوستانه‌تر به فروگونه یا لهجه مادری بیان می‌شود.

۵- آگاهی فرد دو زبانه در فرایند رمزگردانی

حتی در کودکان دو زبانه، رمزگردانی در حضور افرادی که یک زبان را نمی‌فهمند، تلویحا بیانگر آگاهی اولیه نسبت به گونه زبانی است. تصمیم‌گیری‌ها در زمینه تغییر رمز، مرتبط با آگاهی فرا زبانی است و دو سیستم متفاوت را در برمی‌گیرند: میزان آگاهی، میزان تعمد و سنجش و حساب‌شدگی در تصمیم‌های زبانی را تعیین می‌کند و برعکس. دانشمندی که در حال صحبت با حضار حرفه‌ای و متبحر آن رشته علمی است، به منظور صحبت درباره اصطلاحات علمی، از زبانی که معمولا به آن صحبت می‌کند به زبان دیگری تغییر رمز می‌دهد. در این فرایند، تغییر رمز با هدفی آگاهانه و با انگیزه صورت می‌گیرد و آگاهی کاملی نسبت به ارزش هر زبان در این زمینه وجود دارد. این حالت ذهن را، نه صرفا آگاهی زبانی، که می‌توان آگاهی فرا زبانی نامید؛ یعنی بین آگاهی ساده و فرا آگاهی تمایزی قائل شد. می‌توان گفت که آگاهی در کامل‌ترین معنای خود، چیزی بیش از حالت شناختی (cognitive) را داراست و ریشه‌های آن به عمق خود (ego) می‌رسد.

۶- رمزگردانی و ارتباط آن با ساختار شخصیتی

شکی نیست که زبان، پیوستگی عمیق با شخصیت و شخصیت پیوستگی با هویت شخصی دارد. با در نظر گرفتن رابطه بین خود و زبان، در شخصیت‌های دو زبانه یا دو خود وجود دارد (که در این صورت با یک شخصیت شکافته روبرو هستیم)؛ و یا یک فرا خود (metaego) که رفتارهای متفاوت کلامی و ارتباطی منطق با کدهای زبانی متفاوت را کنترل و ترکیب می‌کند. اما باید گفت که افراد دو زبانه، علیرغم ذخیره متعدد کدهای زبانی، دارای شناخت و قدرت تصمیم‌گیری منسجم و یکسان هستند. زیرا در رفتارهای زبانی، ثبات، انسجام و هویت خود را نشان می‌دهند.

شخصیت انسان فرا سیستمی (metasystem) است؛ یعنی بر سیستم‌های دیگر تاثیر متقابل دارد و عملکردهای جایگزین را کنترل می‌کند. نکته جالب درباره شخصیت به عنوان فرا سیستمی این است که خودآگاهی فرد، چند ظرفیتی است. یعنی به عنوان مرکز فرا شناختی عمل می‌کند که قادر به همگون‌سازی انواع اطلاعات درباره دنیای پیرامون است اما همزمان می‌تواند کل دانش را به درون حوزه اصلی و واحد جمع‌آوری کند. در نتیجه، همزمان می‌تواند کلیه عملکردهای رفتاری را به عنوان فرایندهای ذهنی، هدایت و تنظیم نماید. یکپارچگی خود، منشاء این فرا سیستم است. از این رو، شخصیت دو زبانه نه تنها نسبت به دارا بودن دو سیستم ارتباطی، آگاهی دارد، بلکه مطمئن است که می‌تواند آنها (سیستم‌ها) را کاملا تحت تسلط درآورد و در معرض انتخاب و تصمیم مقتضی بر طبق بافت‌های متفاوت کلامی قرار دهد. بنابراین، رمزگردانی چیزی جز یک نشانه یا علامت ظاهری یک سیستم فعال متعلق به یک شخصیت پربار زبانی نیست. یک شخصیت دو زبانه، نه تنها یک عامل فرا زبانی، بلکه حتی فرا هوشیار است.

۷- انگیزه های اجتماعی

سه انگیزه عمده در رمزگردانی عبارتند از:

- ۱- ممکن است فرد قادر به رساندن منظور خود در یک زبان نباشد، پس به زبان دیگری تغییر رمز می‌دهد تا نقص را جبران کند. این نوع رمزگردانی‌ها معمولا مواقعی رخ می‌دهد که گوینده ناراحت یا خسته است و یا به اصطلاح حواسش پرت شده است.
- ۲- زمانی که فرد مایل به ابراز همبستگی با یک گروه اجتماعی خاص باشد. به این ترتیب، حسن تفاهم بین گوینده و شنونده ایجاد می‌شود. این نوع رمزگردانی همچنین زمانی به کار می‌رود تا افرادی که به زبان دوم تسلط ندارند، مضمون گفتگوی مورد نظر نشوند. بنابراین از این که دیگران متوجه صحبت‌های آنها نمی‌شوند، نوعی احساس آرامش خاطر فراهم می‌گردد.
- ۳- دلیل سوم برای این رفتار، زمانی است که فرد در صدد انتقال و رساندن نگرش و دیدگاه خود به شنونده است. در حالی که افراد یک زبانه قادرند دیدگاه‌های خود را از راه تغییر سطح رسمیت (formality) در کلام خود به دیگران منتقل کنند، دو زبانه‌ها همین کار را از طریق رمزگردانی انجام می‌دهند.

در واقع انتقال کلامی بعضی از موضوع‌ها، برای یک زبان نسبت به زبان دیگر مناسب‌تر است. برای مثال، مکزیکی‌ها ترجیح می‌دهند هنگام صحبت درباره پول، به جای اسپانیایی، به انگلیسی صحبت کنند. انتخاب زبان همچنین نقش گوینده را نشان می‌دهد. برای نمونه، یک

مرد کنیایی که در مغازه‌ای در حال سرویس‌دهی به خواهرخود بود، به لهجه محلی شروع به صحبت کرد و سپس در دنباله گفتگو به زبان رسمی تغییر کد داد تا نشان دهد با خواهر خود مانند یک مشتری معمولی رفتار می‌کند.

موضوع بحث یا گفتگو بر تواتر رمزگردانی تاثیر دارد. هرچه موضوعی به حوزه تحت پوشش زبان اول بیشتر مربوط باشد- مانند خانه، دوستان- رمزگردانی بیشتر است. از طرف دیگر، در موقعیت‌هایی که مصاحبه‌گر حضور داشته باشد، در مقایسه با موقعیت‌هایی که فقط اعضای گروه حاضر هستند، روی آوردن به رمز گردانی بسیار کمتر است حتی اگر مصاحبه کننده دو زبانه باشد.

مهارت و توانایی دو زبانه‌ها بر تواتر انواع رمزگردانی موثر است. دو زبانه‌هایی که توانایی بیشتری در زبان اول نسبت به زبان دوم دارند، آشکارا به رمزگردانی بین دو پاره گفت متفاوت تمایل دارند، در حالی که دو زبانه‌های دارای مهارت یکسان در هر دو زبان، استفاده بیشتری از رمزگردانی در یک پاره گفت دارند. به همین ترتیب، کسانی که نسبت به قوم خود نگرش مثبت دارند نسبت به کسانی که نگرش منفی دارند از رمزگردانی استفاده بیشتری می‌کنند.

۸- نتیجه گیری

رمزگردانی استفاده متناوب از دو یا چند زبان در حین گفتگو است. رمزگردانی می‌تواند تغییر در موقعیت یا تغییر موضوع گفتگو باشد. از جنبه دیگر، تغییر می‌تواند در یک کلمه و یا یک جمله صورت گیرد. عوامل عمده و تاثیرگذار بر این فرایند، اجتماعی و شخصی است. عواملی چون موضوع گفتگو، موقعیت زمانی و مکانی، رابطه میان افراد شرکت‌کننده در گفتگو، معیارها و هنجارهای جامعه، و پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی، بر انتخاب زبان توسط افراد تاثیر می‌گذارد. اگر از دیدگاه روانشناختی به رفتار کلامی بپردازیم، به این نتیجه می‌رسیم که شخصیت دو زبانه نسبت به دو سیستم ارتباط کلامی خود، آگاهی کامل دارد و می‌تواند این دو زبان را تحت تسلط خود درآورد؛ یعنی دارای نوعی آگاهی فرا زبانی است. به طور کلی باید عنوان کرد که رمزگردانی، مداخله زبانی نیست بلکه ناشی از عدم توانایی در رساندن مقصود است و نوعی استمرار در کلام ایجاد می‌کند. رمزگردانی، چیزی شبیه پر رنگ کردن یا زیر عبارت متنی خط کشیدن است. تا بر نکاتی تاکید کند و به هدف اولیه خود- ارتباط کلامی موثر- نزدیک شود.

منابع

- Bamgbose, A. 1994. *Language contact and language conflict*. In M. Putzs(ed.). *Language and cross-cultural communication*. Amsterdam:Benjamin.
- Gumperz, J. 1982. *Discourse strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lieberson, S.1981.*Language diversity and language contact*.Standford, California: Standford University Press.
- Titone, R. 1991. *Language contact and code-switching in the bilingual personality*. In I. Vladimir and K. Damir(eds.). *Languages in contact and contrast*. Berlin: Mouton.
- Wei, L. 1998. *The why and how question in the analysis of conversational code-switching*. In P. Auer(ed.). *Code- switching in conversation: Language, interaction and identity*. London: Routledge.
- _____. 1995. Introduction to the special issue on conversational code-switching.*Journal of Pragmatics*37. 275-9.

شماره اول